

حمل باشد بهتر است زنا بعضی مطالب تا آنوقت حاضر می شود و ممکن است مذاکره شود

**رئیس** - فلما راجع بجلسه فردا مذاکره می شود

**آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)**  
**حاج میرزا مهر قاضی** - راجع باصل دستور عرض داشتیم

**رئیس** - آقای حائری زاده راجع باین موضوع است

**حائری زاده** - راپورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات قریب بیست روز است در مجلس معطل مانده خواستم عرض کنم آن راه جزو دستور قرار دهند

**رئیس** - راپورت رایس گرفته اند رای میگیریم برای جلسه فردا آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

**محمد هاشم میرزا** - بنده پیشنهاد کردم روز سه شنبه هفتم حمل جلسه باشد

**رئیس** - دو پیشنهاد است یکی هفتم حمل و یکی دوازدهم رای می گیریم به هفتم حمل آقایانی که تصویب میکنند جلسه آتیه هفتم حمل باشد قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

تصویب شد جلسه آتیه روز سه شنبه هفتم حمل و دستور هم اولاً لایحه قانونی راجع بلا یحه طواحین ثانیاً بقیه شورتانی در لایحه که آقا شیخ الاسلام اظهار کردند البته کمیسیون بودجه و قوانین مالیه فردا و پس فردا را تعطیل نخواهند فرمود بنده گمان می کنم بهتر این است که این دو کمیسیون از روز ششم حمل مشغول کار بشوند (مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه هشتاد و دوم**  
**صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه ۲۸ شهر رجب ۱۳۴۰ مطابق هفتم حمل ۱۳۰۱**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم شنبه ۲۷ حوت ۱۳۰۰ قرائت شد)

**رئیس** - گویا نسبت بصورت مجلس اعتراضی نباشد. **آقای حائری زاده (اجازه)**  
**حائری زاده** - آقای فتح الدوله در جلسه قبل مریض بودند و در اینجا اسمشان جزو مرخصی نوشته نشده است

**رئیس** - اطلاع نداده بودند **فتح الدوله** - بنده اطلاع داده بودم **رئیس** - چنانچه اطلاع داده اید اصلاح می شود دیگر ایرادی نیست (اظهاری نشد)

**رئیس** - صورت مجلس با این یک فقره اصلاح تصویب شده راپورت کمیسیون فوائده عامه راجع بالعاق آب کوهرنگ بزاینده رود مطرح است ماده دوم مراجعه شده بود یکدیسون و اصلاحاتی در آن کرده اند قرائت

می شود و رای می گیریم

(آقای سهام السلطان ماده دوم را بشرح ذیل قرائت نمودند)

ماده ۲ - دو بیست هزار تومان از مبلغ مزبور را وزارت مالیه از اهالی آبخورد زاینده رود استقراض نموده بعد از جریان و العاق آب کوهرنگ بزاینده رود در ظرف مدت پانزده سال با قسط متساویه از محل مالیات اصفهان بقرض دهندگان مسترد خواهد داشت و یکصد هزار تومان آن بلاعوض بعهده خود قرض دهندگان خواهد بود و در صورت عدم موفقیت کلیه سیصد هزار تومان بعهده قرض دهندگان بوده و بدولت وجهی تعلق نخواهد گرفت

**رئیس** - آقای سلطان العلماء (اجازه)  
**سلطان العلماء** - اگر آقای مخبر قبول بفرمایند بنده يك كلمه اصلاح را در اینجا تقاضا دارم و آن كلمه این است که در موضوع دو بیست هزار تومان اگر عنوان قرض باشد موضوع ندارد که در عهده دولت تعلق بگیرد پس بهتر این است که نوشته شود بر حسب تقاضای اهالی یعنی اهالی خودشان قبول کرده اند که اگر آب کوهرنگ بزاینده رود ملحق نشد دولت ملزم بتأدیه نباشد

**رئیس** - آقای گروسی (اجازه)  
**آقا شیخ محمد حسن گروسی** در جمله اخیر این ماده که نوشته است در صورت عدم موفقیت تأدیه کلیه سیصد هزار تومان بعهده اهالی است و بدولت وجهی تعلق نخواهد گرفت تصور می کنم اینجا رعایت صلاح اندیشی نسبت بملاکین اطراف زاینده رود نشده است و آنچه بکرات اینجا گفته شد (که خود آنها داوطلب شده اند) بنده این را نمی توانم تصدیق کنم برای خاطر اینکه جمعی بعنوان نمایندگان یا از راه داوطلبی همچو تقاضائی کرده اند و شبهه نیست که معض صلاح اندیشی اهالی محل و صلاح اندیشی دولت بوده که در صورت العاق اسباب تزاید عایدی دولت و ملاکین خواهد شد در این هم حرفی نیست ولی مسلم است آن اشخاصی که این تقاضا کرده اند خودشان تمام این پول را نخواهند داد و اشخاص دیگر را با خود شرکت خواهند داد چه بسا اشخاصی هستند که منفعت فعلی را هیچ مقایسه نکنند با منفعت مالی ولذا تصور می کنم این جا بهمان نظری که نوشته شده است در صورت موفقیت یعنی پس از جریان آب و حصول نتیجه دولت دو نلت از سیصد هزار تومان را در مدت پانزده سال بصاحبان پول بپردازد و بهمان نظر هم باید در صورت عدم موفقیت با مالکین آبخورد زاینده رود شرکت نماید

**مخبر** - می فرمایند که کلمه قرض با این جمله اخیر که ذکر شده است در صورت

عدم موفقیت بعهده اهالی است موافقت ندارد بنده عرض می کنم همانطور که گفته شد این تقاضا از طرف خود اهالی شده است و منتهی آمال و آرزوی اهالی این بوده است که دولت قبول کند که اگر آب ملحق شد دو بیست هزار تومان از این سیصد هزار تومان را در مدت پانزده سال رعایتاً بآنها بپردازد باز هم عرایض خود را تکرار میکنم که اهالی حاضر هستند در صورتیکه دولت هم با آنها مساعدت و شرکت نکند کلیه سیصد هزار تومان را خودشان با کمال اشتیاق بدهند که آب کوهرنگ بزاینده رود ملحق شود با این حال این دقت نظر هائی که ما می خواهیم در اطراف این قضیه بکنیم (مثل آقای گروسی که می فرمایند شاید آنها بخواهند از کسان دیگر استقراض کنند) گمان می کنم لازم نباشد و البته مردم عاقلند و هیچوقت نمی آیند و مستجیده و نفهمیده پول خودشان را هدر بدهند بلکه گمان نمی کنم يك چنین مردمی در تمام دنیا هم وجود داشته باشند خصوصاً اهالی اصفهان که خیلی عاقلتر و داناتر هستند و البته اگر اطراف کار را ملاحظه نکرده بودند همچو تقاضائی نمی کردند فرمودند شاید جمعی داوطلبانه آمده اند و این تقاضا را کرده اند.

عرض می کنم این تقاضا از طرف ملاکین اطراف زاینده رود شده است که قبلاً مجامع و مذاکراتی داشته اند منحصر بامروز نیست مدتهاست این مطلب مطرح است نه اینکه خود سرانه آمده باشند از روی هوی و هوس يك همچو پیشنهادی بضرر اهالی اصفهان کرده باشند

و اگر تصور می فرمایند که دولت اهالی را مجبور کرده است برای دادن قرض بنده اطمینان می دهم که نه دولت و نه مجلس این نظریه را ندادند که بطور اجبار اهانه بگیرند یا اجباراً استقراض نمایند

ما می گوئیم اگر اهالی باینطور مایل هستند وزارت فوائده عامه هم آن پولها را بگیرد و این خرج را بکشد و اگر مایل نیستند آنها بگیرد و سلامت دیگر دهوائی نداریم

**رئیس** - آقای حائری زاده گویا مخالف هستند

**حائری زاده** - بلی

**رئیس** - بفرمائید

**حائری زاده** - آقای مخبر فرمودند اهالی اصفهان خودشان تقاضا کرده اند که این دو بیست هزار تومان را بعنوان قرض و صد هزار تومان هم بعنوان اعانه می دهم نمی دانم آقا درست اطلاع ندارند که تقریباً دو نلت از اهالی اصفهان از آب زاینده رود استفاده می کنند و عده ای که این تقاضا را کرده اند شاید ده یا بیست یا

صد یا پانصد نفر باشند. حالا باید فهمید که آیا این اشخاص ولایت بر دیگران داشتند که این پول را قرض بدهند و يك نلتش را اعانه بدهند و اگر آب جاری نشد و برای آنها عایدانی پیدا نشد و ضرر هم کردند تمام پول را خودشان بدهند.

من مقبده ندارم مایک قانونی را تصویب کنیم که فردا مأمورین مالیه در اصفهان بعنوان اعانه و استقراض با اهالی تحمیلی وارد آوردند.

من خیلی مسرورم که اهالی اصفهان حاضر شده اند يك یولی بدولت قرض بدهند ولی این که ما بیائیم و صد هزار تومان آن را بعنوان اعانه از آنها بخواهیم و شرط بکنیم که اگر این خرج را کردند و نتیجه حاصل نشد تمام مخارج بر عهده تحمیلی شود و دیگر مردم جرئت نکنند بدولت قرض بدهند.

بنده این مطلب را صحیح نمیدانم و مقبده دارم که تمام این پول را دولت بعنوان قرض از اهالی بگیرد و اگر نتیجه حاصل شد یا نشد در هر دو صورت پول حضرات را پس بدهند.

و اینکه مذاکره شد خود اهالی میل دارند اعانه بدهند ممکن است باین ماده ضمیمه شود که هر کس خواست میلی بدولت اعانه بدهد دولت با کمال امتنان می پذیرد نه اینکه محدود بکنیم که سیصد هزار تومان برای مخارج این کار لازم است دو بیست هزار تومان آن را دولت به عنوان قرض و صد هزار تومان آن را به عنوان اعانه می پذیرد این يك تحمیلی است که ما بر اهالی می کنیم.

بلی اگر این تقاضا از طرف صد یا پانصد نفری بود که فقط آن اشخاص از این آب استفاده می کردند و خودشان به ضرر خودشان راضی بودند این امری بود علیحده ولی تقریباً دو بیست هزار نفر از این آب استفاده می کنند و يك عده قلیلی از آنها این تقاضا را کرده اند ما نمی توانیم این مبلغ را بر تمام اهالی تحمیل کنیم و آنها را محکوم کنیم باین که چون يك عده از شما این تقاضا را کرده اند لذا تمام شما باید این ضرر را عهده دار شوید.

**رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)  
**محمد هاشم میرزا** - بعضی قانونها سابقاً بمجلس پیشنهاد می شد آن وقت اکثر پیشنهاد های مختلفه عاقبت آن قانون نسخ می شد و گاه بود که شخص در اول موافق بود و در آخر مخالف می شد این مطلب خیلی صاف و بی اشکال است.

اهالی اصفهان يك تقاضائی کرده اند (قرضاً يك نفر از اهالی اصفهان تقاضا کرده است) که این طور بکنند ما حاضر هستیم که این سیصد هزار تومان را خرج کنیم اول خواهش اهالی اصفهان این بود که

دویست هزار تومان بدولت فرض بدهند و دولت در ظرف پانزده سال از مالیات آنها کم بگذارد کم کم بطوری مطلب معکوس شده است که تصوری فرمایند اهالی اصفهان می خواهند بدولت اعانه بدهند یا دولت می خواهد از اهالی اعانه اجباری بگیرد خیر ابدأ چنین نیست اهالی اصفهان از دولت تقاضا کرده اند که دویست هزار تومان با آنها مساعدت کند و بآنها اعانه بدهد که این آبرو ملحق کند و اسباب آبادی فراهم آورند .

بعلاوه هنوز پولی گرفته نشده و حکمی کرده نشده که می فرمایند ما معکومشان کنیم کجا معکومشان کرده ایم از اول این لایحه تا آخرش چاپ می شود و برای تمام اهالی هلنی خوانده می شود هر کس میل دارد خواهد داد و شرکت خواهد کرد و هر کس میل ندارد شرکت نمی کند من نمی دانم در کجای این لایحه نوشته شده که باید با اجبار از آنها گرفت یا هر کس از آن می برد حتماً باید پول را بدهد ابدأ اجباری در پیشنهاد نیست .

هر کدام از راهای وزارتین و ملاکین میل داشتند در این امر خیر شرکت می کنند و اگر هم این کار خاتمه پیدا نکرد و انتفاعی نبردند پولشان از جیبشان رفته این را می بینید حالماً عامداً یا قبول می کنید یا رد می کنید .

ابداً موضوع اجباری در بین نیست و لازم نیست ما اینقدر اشکال تراشی بکنیم این لایحه فقط اجازه نامه ایست البته هر کس میل دارد باین شرایط پول خواهد داد و اگر میل نداشت معکوم نیست شرکت بکند و از آنها استفاده نخواهد کرد دیگر بنده نمی دانم این چیزهایی که می گویند از کجای این لایحه بیرون آمده است .

رئیس - آقای گروسی (اجازه)

آقا شیخ محمد حسن گروسی  
زمینه مطلب معلوم است که جمعی معض صلاح اندیشی حال خود و سایر ملاکین به دولت پیشنهاد کرده اند که چنانچه آب کوه رنگ بزاینده رود ملحق شود اسباب تزاید عایدی اهالی محل و دولت خواهد شد زمینه مطلب این است و غیر از این چیزی نیست .

مسئلاً آنها يك ورقه ها بهری از سایر اهالی در دست ندارند که شما از طرف ما وکیل هستید و هر چه بگوئید ما قبول داریم اگر يك همچو ورقه رسیده است چرا نشان نمی دهند و اگر جمعی معض صرفه و صلاح اندیشی خودشان آمده اند و این تقاضا را می کنند ما باید در این زمینه رعایت صلاح دولت و اهالی آن محل را هم بکنیم نه اینکه بکطرف را بگیریم

و طرف دیگر را بخاک سیاه بنشانیم و این که می فرمایند دولت اعانه می دهد بچه لحاظ دولت بآنها اعانه می دهد البته برای این است که عایدی خود را اضافه بکنند

بنده عرض می کنم بهمین نظر لازم است در این جا ذکر شود که در صورت عدم موفقیت هم دولت در ضرر با اهالی شریک است چون يك کاری بوده که فایده بحال هر دو طرف داشته حالا که نتیجه حاصل نشده برای هر دو طرف ضرر داشته باشد نه اینکه در منفعت دو طرف شریک باشند و در ضرر بکطرف .

بنده تصور می کنم که ما باید مراعات طرفین را بکنیم و باید این جمله اخیر از این ماده حذف شود .

رئیس - مذاکرات در ماده دو کافی است یا خیر ؟  
(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - مجدداً قرائت می شود و رأی میگیریم .  
(مجدداً بمضمون گذشته قرائت شد)

رئیس - آقایانی که ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند  
(اغلب آقایان نمایندگان قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد . ماده اول و سوم هم تصویب شده بود حالا مذاکرات در کلیات است . آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده يك ماده العاقبه پیشنهاد کرده ام هر وقت اجازه می فرمائید توضیح آنرا بدهم .

رئیس - بفرمائید .  
محمد هاشم میرزا - از اول که این مطلب مذاکره و تقاضا شد یکی از ادله مهم آقایان این بود که این هفت بلوک که از آب زاینده رود مشروب می شوند سر بلوک آن که در انتهای رودخانه واقع است غالباً در سالهای خشک سالی آب به آنها نمیرسد و اسباب عدم وصول مالیات دولت می شود .

حتی می گفتند در سال بیست یا سی هزار تومان نقد و جنس مالیات دولت در این سه بلوک لاوصول میماند و آنطوری که آب زاینده رود در سابق تقسیم شده مطابق ترتیبی که مرحوم شیخ بهائی علیه الرحمه معین کرده است ترتیب الاقدم فالاقدم بوده است که اول بلوکات مقدم رودخانه بعد یابین تر همین طور بترتیب آب میبرند و تقریباً در بلوکات ابتدای رودخانه بقدری آب مصرف میشود که بلوکات انتهای رودخانه صیفی و شتوی نمیتوانند بکارند و بلوکات ابتدای رودخانه هم صیفی و هم شتوی زراعت میکنند .

حالا هم اگر آب کوه رنگ بزاینده رود ملحق شود بهمان ترتیب سابق تقسیم شود باز در سالهای خشک سالی ممکن است

در انتهای رودخانه همان اشکالات اول پیش بیاید و باز مالیات دولت هم لاوصول بماند باین واسطه بنده پیشنهاد کرده ام که ( بعد از اینکه اجازه نامه از طرف مجلس داده شد ) از طرف اهالی بلوک سبزه آب بخور زاینده رود مجلسی تشکیل شود و يك ترتیبی در تقسیم آب و وجوهی که مجتهد اینکار مصرف می شود بدهند تا بلوکات واقعه در انتهای رودخانه هم قدری بیشتر آب ببرند و در سال خشکسالی دچار بی آبی نشوند و آن دهاتی که از بی آبی خراب و رعایای آنها آواره شده اند مرمت شده و جبران خسارت سابقه دولت هم بشود بنده این پیشنهاد را بکمسیون دادم و سبب رد شدن آنرا نفهمیدم خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که بچه دلیل کمسیون آنرا رد کرده است من که ضرری در این پیشنهاد نمی بینم بلکه آنرا چه برای دولت و چه برای مردم نافع میدانم

مخبر - این پیشنهاد متأسفانه در کمسیون مطرح نشد لکن فرمایشات حضرت والا منافی با تصویب این ماده ندارد و بنده گمان می کنم اگر این ماده العاقبه هم ضمیمه نشود باز منافی ندارد و لازم نیست که ما آنرا یکی از مواد مصوبه قرار دهیم

البته يك عده که جمع می شوند برای جمع کردن وجوه مخارج از ملاکین در تقسیم آب هم مذاکره می کنند و البته اشخاصی که می خواهند از این آب استفاده کنند بایستی بین خودشان يك ترتیبی برای تقسیم آب داده باشند بنابراین محتاج نیستیم که بیائیم آنرا یکی از مواد مصوبه قرار بدهیم .

رئیس - (خطاب بمخبر) این اصلاح و ماده العاقبه شاهزاده محمد هاشم میرزا به کمسیون فرستاده شده بود  
مخبر - بنده که ندیدم  
رئیس - ماده العاقبه که شاهزاده محمد هاشم میرزا پیشنهاد کرده اند قرائت می شود و در قابل توجه بودنش رأی می گیریم .

(آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند )

بنده پیشنهاد می کنم این ماده به راپورت کمسیون فوائد عامه اضافه شود .  
مأمور دولت در اصفهان مجلسی از مطلقین و نمایندگان اهالی بلوک های هفت گانه تشکیل داده و ترتیبی برای بلوکات اخیر که غالباً دچار خشکسالی می شوند داده که آنها بیشتر از آب کارون بهره ببرند که اسباب تفرقه و حسرت رعایا و هم لاوصول منال دیوانی نشود

محمد هاشم میرزا  
رئیس - (خطاب بمحمد هاشم میرزا)

توضیحی دارید بفرمائید  
محمد هاشم میرزا - علی ای حال چون مخبر کمسیون باید نظر کمسیون را دفاع کنند و فعلاً می فرمایند که اصلاً این پیشنهاد در کمسیون مطرح مذاکره نشده است

لذا بهتر این است که اول بکمسیون برود و در آنجا مطرح مذاکره شود پس از آن بیاید در مجلس و در آن مذاکره بشود و اینکه فرمودند منافاتی با آن راپورت ندارد بنده عرض نکردم که منافات دارد این يك ماده العاقبه ایست که بنده برای تکمیل آن راپورت پیشنهاد کرده ام و در اصل راپورت هم بنده رأی داده ام و مقصود اشکال تراشی نیست

آقا سید فاضل - اجازه می فرمائید  
رئیس - شما عضو کمسیون هستید ؟

آقا سید فاضل - بلی  
رئیس - بفرمائید

آقا سید فاضل - بنده گمان می کنم

آقای مخبر فراموش فرموده اند ماده العاقبه که حضرت والا پیشنهاد کرده اند جزو نوزده فقره پیشنهادی بود بکمسیون آمد و در کمسیون مطرح شد و بالخصوص در پیشنهاد حضرت والا خیلی مذاکره شد

چون وضعیت اراضی اصفهان طوری است که دهات بالا دست رودخانه چه در خشکسالی و چه در غیر خشکسالی نقصانی به آنها وارد نمی شود و این نقصان و کم آبی فقط برای دهات انتهای رودخانه است .

ولی ترتیب تقسیم آب آنجا طوری است که اگر این آب جاری شود همه به نسبتی که باید آب ببرند می برند دیگر محتاج نیست ما اینجا ذکر بکنیم

زیرا اصلاً ترتیب زاینده رود طوری است که در موقعی که آب جاری می شود همه به نسبتی که باید استفاده کنند استفاده می کنند و اهالی اصفهان این ترتیب را ترتیب مرحوم شیخ بهائی می گویند بنابراین دیگر محتاج به ذکر در لایحه نیست .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - قسمت اولی که آقا فرمودند گویا باینده موافق بودند ولی اخیراً نفهمیدم چه شد که مطلب برعکس شد فرض بنده هم این است که بلوکاتی که در خشکسالی آب نمی برند آنها هم استفاده بکنند و دچار مضیقه نشوند .

ترتیب زاینده رود بطوری است که آقا فرمودند که بالا دست رودخانه اصلاً

وزارت خیز نیست و مالیات دولت لا وصول می ماند .

حالا بنده عرض می کنم یک ترتیب در اینخصوص داده شود که این پول هائی که می دهند به یک تناسب تقسیمی پول بدهند و بهمان تناسب آب ببرند که آنها هم از بی آبی راحت بشوند و مالیات دولت هم وصول بشود و بنده گمان می کنم این ماده لازم باشد

**رئیس** - مخبر کبسیون قبول می-کنید یا خیر؟

**مخبر** - بنده برای خود نمی توانم قبول کنم.

احاله فرمائید برای مجلس

**رئیس** - مجدداً قرائت می شود و بقابل توجه بودنش رأی می گیریم (مجدداً بضمون قبل قرائت شد)

**رئیس** - آقایانی که این ماده الحاقیه را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد مذاکرات در کلیات است آقای حائری زاره (اجازه)

**حائری زاده** - بنده در شور اول راجع به بود عرض کردم که بنده در اصل این مطلب موافقم و خیلی هم میل دارم که اهالی بدولت اطمینان بکنند و بدولت خودشان پول فرض بدهند و وسائل آبادی و زندگانی امروز را فراهم کنند ولی طرز این لایحه استراضی ناقصی است اولاً این لایحه استراضی است و لایحه استراضی را وزارت مالیه باید پیشنهاد کند و وزارت فواید عامه حق ندارد پیشنهاد کند ثانیاً قرض دهندگان باید معلوم باشند و قرض دهندگان تقریباً دو سصد سیمصد هزار نفر از اهالی اصفهان هستند که بعضی از آنها در اصفهان جمع شده و چند نفر نماینده اینجا فرستاده اند و ما می خواهیم تصویب کنیم که از اهالی آبخور زاینده رود برود این پول را بگیرند که دو ثلث آن بعنوان قرض و یک ثلث آن اعانه باشد من هنوز تفهیم ام اعانه محدود یعنی چه ؟ اگر اهالی می خواهند اعانه بدهند دیگر برای اعانه حد معین کردن (که دو ثلث آن بعنوان قرض و یک ثلث آن بعنوان اعانه باشد) جهت ندارد هر کس میل دارد کسی در این امر بکنند میکند و محدود بودنش خلاف مقصود میرساند

دیگر آنکه در شور مواد مذاکره شد که اهالی اصفهان خودشان پیشنهاد کرده اند و حاضرند که این ضررا متحمل بشوند ما فرع زائد بر اصل برای چه باشیم .

اطلاعات خارجی برای مامدرک نیست

مدرك ما همین این ورقه است خوب است این ورقه را مدرک و پشتی بان خود قرار داده و در آن تصریح کنیم که چون خود اهالی تقاضا کرده بودند

واگرمایخواهیم بااطلاعات خارجی که داریم رأی بدهیم شاید این ورقه برای اتولید یک مخطوراتی بکند .

مثلاً آقای محمدشاه میرزا فرمودند که دولت دو سصد هزار تومان اعانه میدهد (در صورتیکه فرض حضرت والا هم صحیح باشد) دولت باید در صورتی اعانه بدهد که اهالی پول خودشان را خرج بکنند و آب آنها نرسد ولی فعلاً که اهالی سبصد هزار تومان برای این کار تهیه کرده اند محتاج به اعانه نیستند حالا ما داریم برخلاف این مقصود رأی می دهیم و می گوئیم اگر آب ملحق شدن نتیجه حاصل شد دولت دو سصد هزار تومان اعانه بدهد در صورتیکه وقتی آب ملحق شد دیگر آنها احتیاج با اعانه نخواهند داشت و وزارت اشتغال جبران خسارتشان را خواهد کرد و محتاج بکمک دولت هم نیستند ولی اگر آب ملحق نشد ورعای فقیر بیچاره بامید اینکه در آتی آب آنها خواهد رسید خانه و کاشانه خود را فروخته و پول تهیه کنند .

آنوقت اگر نتیجه حاصل نشد دولت بآنها مساعدت نکند و تمام خسارات بعهده خود اهالی باشد ! اینک خلاف مقصود شاهزاده محمد هاشم میرزا را می رساند اما باید بمسک وقتی که یک مغارجی کرد و یک عایداتی پیدا نکردند و نتیجه بدست نیاورند آنوقت باید بآنها کمک و مساعدت کنیم و بآنها اعانه بدهیم.

**رئیس** - آقای زنجانی (اجازه)

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - مذاکره در کلیات در آخر هر قانونی برای این است که هر گاه در مواد و در مذاکرات بعضی نگرانیها بوده رفع شود و کسانی که مخالف بوده اند به آسودگی موافق شوند و بالاخره معلوم شود بآن قانون که مطرح است باید رأی بدهند یا باید رد کنند

باینکه اینک این مسئله خیلی بزرگ نیست .

ولی بنده برای آینه در این امور خلی اهمیت می دهیم

ما باید با کمال جدیت رأی بدهیم و کار بکنیم .

می بینیم سایر ممالک کارهای بزرگ می کنند .

قطب شمال می روند رودخانه ها را بیکدیگر وصل می کنند سد ها می بندند پولها خرج می کنند اما ما میترسیم که این کار بی نتیجه بماند و این پول ضرر ما بشود .

باین فرض ها نمی شود کار کرد بعضی گفتند که این کار انجام نمی شود بنده عرض می کنم خیر حتماً می شود .

نهایت این است که این مبلغ یا کفایت میکند که آب ملحق شود یا خیر کفایت نمی کند بهر جهت وقتی که جدیت بکنند و گویی که بین این دو رودخانه است بردارند از سه حال خارج نیست .

یا اینکه رود کوه رنک پائین تر است یا بلندتر یا مساوی اگر پائین تر باشد جلو آنرا سد می بندند مساوی می شود و آب جاری می شود اگر بلند تر است راه را باز می کنند و آب جاری می شود و از قرار معلوم رود کارون از زاینده رود پائین تر است و باید پس از برداشتن کوه جلو آنرا سد به بند تا آب بالا بیاید و داخل زاینده رود شود و البته مسامین برای بستن سد میروند می بیند اگر سد قوی می خواهد سد بلند می بندند سد کوچک می خواهد سد کوچک می بندند این اهمیتی ندارد .

یک مسئله دیگر این است که شاید مغارج از سبصد هزار تومان زیاد تر شود این کار تا تمام بماند بسیار خوب بنده این را قبول می کنم

ولی عرض میکنم وقتی شروع بکار بکنند فرضاً این پول کم بیاید اقل نصف کار شده است باید هر وقت دولت پول پیدا کرد شروع می کند اهالی که پول پیدا کردند و دیدند کار نصفه شده است خودشان با شوق و ذوق کار را تمام می کنند .

اینجا چندین مرتبه آقایان گفتند که دولت چرا این خرج را می کند

چه فایده میبرد بنده عرض می کنم دولت از راهای پول و مالیات میگیرد باید برای آبادی و امنیت و راحت اهل مملکت خرج کند .

سد جاجرود را بسازد سایر جاها را درست کند اگر اینطور نیست پس چرا از ولایات مالیاتها جمع شود و در اینجا دو کروم شهری داده می شود این را بگوئید نکنند زاینده رود را با بستی درست بکنند تا مملکت آباد شود بدهم زاینده رود را بعد هم جای دیگر را نه اینکه از همه جا بگیرند و بکجا خرج بپوشد بکنند این خرج هائی که می شود ضرر دولت است والا فایده بالاتر از آبادی چیست؟

علاوه بر این دولت مالیات خواهد گرفت فایده خواهد برد آنوقت هر چه خرج شد در ظرف پانزده سال از مالیات آنها کسر خواهد گذاشت .

این را می گویم برای آینه که در این قبیل چیزها این مذاکرات را نکنیم خودمان را برای این حرفها معطل نکنیم .

البته باید خرج بشود مصرف شود مگر جراند نمی خواند که صد ها کشتی براه

کشف قطب شمال می رود غرق می شود تا و یکمی می رسد سابقاً میگفتند بریدن با سمان سال است صد ها اشخاص پریدند پولها خرج کردند مردند تا با سمان پریدند ماها می کنیم ؟ آیا اینها خرج است که ما می کنیم ؟

بعلاوه مردم حاضر شده اند این خرج را بکنند و رود کارون را بزاینده رود وصل کنند و البته این پول هم کفایت خواهد کرد فرضاً هم نکرد .

بنابراین ما نباید آنقدر در این باب مذاکره کنیم بلکه باید تقاضا کنیم که تمام امالی مملکت از این قبیل پیشنهادها بکنند پس چرا از ولایات و ایالات یک ضرر میگیرند و در ارزاق طهران خرج میکنند باید مردم را تشویق کرد که برای آبادی امنیت قشون

از آنجا باینجا از اینجا باینجا اعانه بدهند و دولت خرج کند برای حالا نیکو بگویم برای آتی میگویم .

چون میدانم الان باین لایحه با کمال شوق رأی داده خوانند این را برای آینه عرض میکنم که از این قبیل کارها پیدا کنیم و برای آبادی مملکت سعی کنیم

**رئیس** - مذاکرات دو کلیات کافی است؟

(گفتند کافی است)

**رئیس** - رأی می گیریم برای پورن کبسیون که مشتمل بر سه ماده است آقایان که تصویب میکنند ورقه سفید و آقایان که رد میکنند ورقه کبود خواهند داد

( اخذ رأی بعمل آمد و آقای ملک آرائی استخراج نموده و نتیجه بر ترتیب ذیل حاصل شد )

همه نمایندگان ۷۰ ورقه سفید علامت قبول ۵۸ ورقه کبود علامت رد امتناع ده **رئیس** - با اکثریت ۵۸ رأی از هفتاد نفر رأی دهندگان تصویب شد (اسامی قبول کنندگان)

ناظم العنماء . حاج میرزا عبدالوهاب رکن الملک . بیان الملک . سلیمان میرزا منتصر الملک . سید حسن کاشانی . اصف . المالك . شیخ الاسلام ملایری . میرزا . طاهر تنکابنی . حاج میرزا مرتضی . دکتر اقمان . شیخ الاسلام اصفهانی . امیر ناصر سهام السلطان . مساوات میرزا علی کازرانی سردار مخفم . حاج مقبل السلطنه . حاج میرزا تقی خان . فهیم الملک . تدین دولت السلطنه . امین الشریعه . مدرس . میرزا ابراهیم قمی . سعید الممالک . حاج امین . التجار . مستبد السلطنه . حاج شیخ اسدالله عماد السلطنه طباطبائی . محمد هاشم میرزا سردار جنگ ؟ غضنفر خان سعید الملک . میرزا محمد نجات . فتح الدوله . سردار معطم کردستانی . میرزا ابراهیم

ملك آرائی . بیان الدوله . وقار الملک . وحید . الملك . سید کاظم یزدی . احتشام الدوله ملك الشمره . جلیل الملک . سلطان العنماء آقا سید فاضل شریعتمدار کرمانی - قوام - الدوله . حاج نصیر السلطنه . رفعت الدوله محقق العنماء . آقا سید یعقوب . آقا سید محمد تقی طباطبائی . صدر الاسلام اسامی رد کنندگان - حاج شیخ محمد حسن کروسی . بهاء الملک

**رئیس** - لایحه قانونی راجع به مالیات طراحین مطرح است مذاکره در کلیات است

**آقای سلیمان میرزا** (اجازه)

**سلیمان میرزا** - البته همه آقایان بهتر مسیوقند و یکی از اصول عقیده مسلکی بنده این است و از دوره های قبل تا بحال همیشه عرض می کنم که باز افاق عمومی نباید مالیات بسته شود و حتی الامکان باید مالیات را قسمی وضع کرد که باز افاق عمومی و چیز های ضروری تعطیل نشود و اگر ما یک کاری بکنیم که قیمت نان بالا برود این یک صدمه است که من غیر رسم بقره وارد آورده ایم زیرا مصرف کنندگان نان یعنی اکثریت مصرف کنندگان نان همان صمله فقیر و بیچاره است که بعد از زحمات بسیار و شادمانگی که از هر راه با و وارد می آید ( اگر گیر کبسیون هر اریض نیفتاد یعنی حکمک با و زیاد از حد صدمه زدند که مجبور شود کافه بنویسد ) و در نتیجه زحمت خود یک لقمه نان خالی تهیه نموده اگر مالک مالیاتی وضع کنیم که نرخ ارزاترا ترقی بدهیم این یک تمدنی است که بآن بدبخت فقیر شده است و بقیه بنده مالیات را همیشه باید تسهیمی وضع کرد که بآنها هم که پول دارند و بی جهت یا باجهت پول مملکت را جمع کرده اند مالیات تحمیل شود

اگر فرضاً بخواهند بمرغ مالیات بگذارند شاید بنده از یک نقطه نظر موافق باشم زیرا خبر برای بلوی اهیان در جای دیگر سرش بریده نخواهد شد و بیچوجه بر فقیر و عله تحمیل نمی شود و یا اینکه مالیات را بر عایدات بگذارند که هر کس در آخر سال پولش بیشتر بود مالیات بدهد آن وقت عله بیچاره هیچوقت این مالیات را نخواهد داد

ما برای چه مالیات می گیریم برای اینکه می خواهیم صرف امنیت مملکت کنیم فرض کنید برای حفظ کار آتی در طهران چند آژان لازم است آیا از کجا پول بآنها داده می شود لابد از مالیات این مملکت می گیرند از پول بدبخت حال وصله که برای حفظ هزار خانه آنها یک آژان لازم نیست می گیرند اگر چه اصلاً جامعه ندارد که وامن داشته باشد عله

بد بخت کی خانه دارد که بترسد دزد بیاید اموالش را ببرد پس کسیکه بیشتر از مالیات استفاده میکند او باید بیشتر مالیات بدهد آنکسی که می خواهد بار کس را آژان حفظ کند و می خواهد همه قسم وسائل زندگانی او فراهم شود که با ادا اسبش در خیابان سکندری برود یا در اتومبیل تکان بخورد و خیالات عالی او متزلزل بشود او باید بیشتر مالیات بدهد زیرا آنها بیشتر استفاده میکنند و این مغارج بیشتر از برای راحتی آنها مصرف می شود بیچاره عله با آنکوله یاره دوش از هر کوجه تنگی عبور میکند و هیچ مصارف خرج راه و خیابان مربوط باو نیست اما کسی که با اتومبیل عالی خود حرکت میکند باید بیشتر مالیات بدهد زیرا بیشتر استفاده می کند بنا بر این بنده نه تنها با این مالیات طواحين بلکه با کلیه مالیات هائی که منجر بترقی نرخ میان می شود مخالفم زیرا اگر امروز بر آسیاها مالیات ببندند آنوقت از برای آرد کردن پنج من گندم که فلان بدبخت فقیر می آورد با مضاعف می گیرند زیرا تا میر گدو گدو مالیات می دهد اوضرنمیکند روی چش خودش می کشد و هر کس که یک ذرع پارچه از او می خرد او مالیات می-دهد حالا هم ما نباید بگوئیم با آسیا ها مالیات گذاشته شود و آسیا هم ملك متولین است خیر

آنها هم مالیات و اجارهاش را از همان گندم که می آورند آرد کنند می گیرند بنا بر این من غیر رسم دینار دینار بآن اشخاص که نان می خورند تحمیل می شود و هر کس بیشتر نان می خورد او بیشتر می دهد همین که باوی چند رنگ با نسام مختلف و بیک و مرغ و جوجه و غیره دارند و در ظرف ۲۴ ساعت شاید یک لقمه نان آنهم از روی عدم میل یا تراکت تناول می کند اما فقرا که بیشتر قوت آنها نان است باید آن مالیات را بدهند ولی از نقطه نظر اینکه آسیا ملك است خوب است مالیات را بایدهات بگذارند باشم زیرا خبر برای بلوی اهیان در جای دیگر سرش بریده نخواهد شد و بیچوجه بر فقیر و عله تحمیل نمی شود و یا اینکه مالیات را بر عایدات بگذارند که هر کس در آخر سال پولش بیشتر بود مالیات بدهد آن وقت عله بیچاره هیچوقت این مالیات را نخواهد داد

ما برای چه مالیات می گیریم برای اینکه می خواهیم صرف امنیت مملکت کنیم فرض کنید برای حفظ کار آتی در طهران چند آژان لازم است آیا از کجا پول بآنها داده می شود لابد از مالیات این مملکت می گیرند از پول بدبخت حال وصله که برای حفظ هزار خانه آنها یک آژان لازم نیست می گیرند اگر چه اصلاً جامعه ندارد که وامن داشته باشد عله

باشخاصی که نان خالی می خورند باین جهت بنده در کلیات مخالفم و تصدیق نمی کنم و بهر تری دانم که عوض این قبیل مالیاتها بر عایدات مالیات بگذارند و اگر بر عایدات مالیات بگذارند که هر کس در آخر سال اضافه از مغارج فایده دارد مالیات بدهد بنده تصدیق می کنم و ورقه سفید خواهم داد زیرا هیچوقت عله فقیر در آخر سال چیزی اضافه نخواهد داشت و آن مسئله هم که آقای شیخ الاسلام فرمودند البته همان طور است که بودند بنده بطور مثال عرض کردم و در کتب فقهیه معین است که ذکرة و خمس را بطور باید بدهند و این از وظایف آقایان است که صحیح بکنند **فهیم الملک** ( مخبر کبسیون قوانین مالیه ) - بالاخره در قسمت آخر نطقشان حضرت والا اظهار موافقت کردند

**سلیمان میرزا** - استغفر الله **مخبر** - زیرا فرمودند مالیات بر عایدات ببندند ام از اینکه عایدات از طراحین باشد یا از غیر طواحين

در هر صورت اگر نظر این باشد که به قوت دائمی طبقه فقرا نباید مالیات بست و همچنین چیز هائی که متعلق باین قسمت است پس مالیاتهای مستقیم اراضی و املاک را هم نباید گرفت زیرا آنرا هم مالکین از جیب خودشان نمی دهند و بقیه گندم افزوده می شود و از سایرین می گیرند بطور خیلی از مالیاتهای دیگر که بالاخره بر فقرا وضعفا تحمیل می شود بنا بر این این قسمت را نمی توان برای مساعدت با فقرا مدرک قرار داد بنده هم موافقم که مالیات را بر اقبیاء مخصوصاً بر عایدات آنها باید تحمیل کرد زیرا آنها بیشتر محتاج بمغارج دولتی هستند و مغارجی که دولت از برای تامین مملکت می کند بیشتر صرف آنها می شود اما راجع ببقاها که فرمودند البته در نظر دارند لایحه راجع به مالیات مستقات در دوره سوم بمجلس پیشنهاد شد و قبل از اینکه بمجلس بیاید ( بنده خودم جزء تهیه کنندگان لایحه بودم ) و کلیه خانه ها هم از اجاره و غیره در آنجا پیش بینی شده بود بنده از آنکه ببطول آمد ( خود حضرت والا هم تشریف داشتند ) منصرف شد بقاها های اجاره در صورتی که همه کس می دانند در ایران هر کس چیزی تمول داته باشد خانه برای خودش تهیه خواهد کرد و خانه های کرایه غالباً مخصوص اشخاصی است که استطاعت خریدن خانه ندارند ولی متأسفانه در مرکز این مالیات را تحمیل کردند بر خانه های غیر اجاره با این وسعت فضائی که دارند با همه احتیاجی که بدولت برای حفظ خانه خود دارند معاف شدند و امیدوارم در این مجلس جبران شود

در هر حال آسیا یکی از منابع ثروت

است و همانطور که فرمودند اشخاص سرمایه دار ممکن است دارای چندین آسیا باشند و نسبت به آنها ما یا خودشان عمل میکنند یا اجاره میدهند و اجاره خود را بدون هیچ کسر و نقصانی میگیرند و گندمی را هم که آنجا میبرند بدون دیناری کم و زیاد مزد خود را میگیرند و نرخ معمول آسیا بسته است همان قاعده کلی ارزاق یک وقت ممکن است بواسطه داشتن همدست زیاد نرخ را پائین بیاورند و یا برعکس بواسطه کمی آب و نداشتن رقبای دیگر نرخ را بالا ببرند در هر صورت صاحب آسیا فایده خود را میبرد ام از اینکه مالیات از او بگیرند یا نگیرند

اما در این لایحه بطوریکه ملاحظه میفرمائید ما مالیات کلیه طواحين را کنار گذاشتیم و گندم هر وقت کلیه اراضی و مستغلات شهرها و قراه غیره ممیزی شد و مالیاتی وضع شد چون بعضی اراضی است که متعلق به دولت است و همچنین بعضی از آنها متعلق به خالصه دولت است بعضی اشخاص می آیند و تقاضا می کنند ما می-خواهیم از این آب و زمین یا یکی از آنها استفاده کنیم .

باین معنی که بخواهیم در این زمین آسیا بسازیم و از قنات ملکی خودمان بگردانیم یا اینکه در زمین خودمان بخواهیم آسیا بسازیم و با آب خالصه هم بگردانیم این لایحه حق الارض و حق السماه را معین میکند برای اینکه زمین مال دولت است مال دولت است

یک شخص ثالث می آید اینجا یک بنائی میکند و استفاده میکند اجاره هم میدهد و گندم هم میگیرد آنوقت از نتیجه عاید او چرا نباید استفاده کند ؟

در صورتیکه بنده می دانم اگر منا چیزی نگیریم برای فقرا فایده ندارد بنا بر این در این لایحه دو عشر معین شده است یکی برای حق الارض و یکی برای حق - السماه که از آن اشخاص گرفته میشود بنا بر این تصور نمیکنم نظریه حضرت والا در موقع خودش بنده هم موافق هستم در اینجا مورد داشته باشد

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب مخالفند ؟

**آقا سید یعقوب** - بلی

**رئیس** - فرمائید

**آقا سید یعقوب** - نظر بنده هم با نظر حضرت والا یکی است که هیچ مالیات نگیریم و لسی انشاهائش زمان حضرت حجة که معاملات با صلوات میشود .

مخالفت بنده از این راه است که سبب چیست برای مالیات طواحين عنوان علیحده قرار داده اند و نباید مثل مالیات مستغلات صد پنج باشد چنانچه می بینیم



اصلا مالک باشد و باید خالصات را بزرگین بدهد البته آن موضوع علیحدگی است لکن تا وقتی که مجلس این تصمیم را نگیرد است و دولت دارای ملک و آب است همان معامله که سایر مالکین نسبت بملک خود می کنند دولت هم باید همان معاملات را نسبت بخالصات بکند

آیا در اراضی هر کدام از اماها اگر کسی بخواهد آشیانی بسازد راضی می شویم؟

یقیناً با حق نگیریم نخواهیم گذاشت کدام يك از مالکین بدون اینکه حقی بگیرند ملک خود را بدستگاری می دهند؟

بنابراین این مطلب نه مالیت است و نه تعمیم بر فقرا بلکه تعدیل است و میخواهند يك اصول غیر مرتبی را که - ابقاً در طواحين معمول بوده در تحت يك یرسبب واحدی در آورند و این پیشنهاد را تقدیم مجلس نموده اند .

تازه پس از دو ساعت که صحبت می شود هنوز موضوع بدست نیامده است که بنده عقیده دارم آقایان از خود موضوع صحبت بفرمایند و اگر می فرمایند دولت نباید از خالصه چیزی بگیرد بفرماید اولاً اگر معتقدند که باید از خالصه استفاده بنابر این این اشکالات لازم نیست و باید برای دولت حق مالکیت قائل شد

رئیس - البته آقایان با چند دقیقه تنفس موافقت ( در این موقع مجلس برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی ( اجازه )

حاج میرزا مرتضی - بنده اساساً تا وقتی که این مالیاتهای که گرفته میشود مصارفشان کاملاً معلوم نباشد با وضع هر نوع مالیات جدیدی مخالفم اما باین لایحه بخصوص هم که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند تعدیل است و عقیده بنده نه تعدیل است و نه مالیات بلکه حق الارض یا حق السماء می باشد مخالفم زیرا همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند این ضرر غالباً با شخصی که فقیر هستند وارد می شود و بر اعیان و اشخاصی که تقناً گاهی يك لقمه نان میل می فرمایند وارد نمیشود

زیر این مالیات باین حق را دولت مستقیماً از طواحين می گیرد و اشخاصی هم که طاحونه ساخته اند این مالیات را در روی اجرت آسیا می اندازند و بالاخره از فقرای بیچاره می گیرند بنده معتقدم این حق - الارض و حق السمائی که دولت از طواحين می گیرد و مبلغ خیلی خیلی می باشد ملتی شود و من بعد چیزی گرفته نشود زیرا از

اینراه چیز زیادی بدولت نرسیده و فایده آن بقرا و بیچارههایی که محتاج خوردن مان می باشد خواهد رسید و دولت می تواند در عوض این مالیات مالیاتی بر چیزهای نفتی و چیزهایی که تعدیل بر فقرا نشود وضع کند از این نقطه نظر بنده مخالف این لایحه هستم و تقاضا می کنم این مالیات ملغی گردد

رئیس - آقای سلطان العلماء - در يك قسمت بله

رئیس - آقای انبال السلطان چگونه؟

اقبال السلطان - موافقم رئیس - بفرمائید

اقبال السلطان - امشب در موضوع این لایحه مذاکراتی شد که بعقیده بنده این اندازه لزومی نداشت بنده بسیار متاسفم که آقایان مخالفین در راپورتی که کمیسیون طبع و توزیع نموده در دست دقت نرفته اند و اگر هم دقتی کرده باشند در این باب تعطیل فراموش فرموده اند

اگر در راپورت کمیسیون در پیشنهاد دولت ملاحظه فرمائید خواهید دید که در هیچ کدام گفتگوی مالیات در بین نیست پیشنهاد دولت این است که یکمشر بابت حق السماء و يك عشر هم بابت حق الارض و يك عشر هم بابت مالیات گرفته شود

در کمیسیون قوانین ماله مذاکره شد که چون در لایحه مبیزی که تازه بکمیسیون رسیده فقط يك حقوقی برای طواحين معین شده لذا مذاکره در مالیات طواحين خالصه موقوف باشد تا يك تصمیم کلی برای تمام طواحين اتخاذ شود و عجلتاً این راپورتی که مطرح است ربطی بمالیات طواحين ندارد بلکه فقط حق مالک را از آسیا معین می نماید

در ایالات و دردهات آقایانی که ملک دارند می دانند که سایر مالکین از این قبیل آسیاها خیلی بیش از این مقدار فایده می برند

در بعضی نقاط ثلث مالک و دولتت سازنده آسیا می برد در اینجا کمیسیون تمام این نظریات را با هم جمع نموده و این راپورت را تقدیم داشته است و در واقع صاحبان آسیا صد سیزده تخفیف داده است

بعلاوه مبلغی که حالا از بعضی جاها می گیرند شاید از صد سی هم تجاوز می کنید ولی در این لایحه صد بیست معین شده فقط چیزی که در اینجا باهت این مذاکرات شده این است که این حقی را که دولت از اراضی و املاک خود دریافت می دارد اسم

آنرا مالیات گذارده اند در صورتی که مالیات نیست فقط عایدات دولت است که از اراضی یا آب خالصه گرفته میشود

شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن فرمایشات شان فرمودند من با وضع مالیات بر آسیاها مخالفم زیرا مالیات بر آسیا اسباب گرانی آرد و نان و بالتبته چه تعدیل بر فقرا خواهد شد

اولاً باید بدانند که در تهران اداره ارزاق موجود است و نان را اعم از اینکه از طواحين مالیات بگیرند یا نگیرند قیمت همین می فروشند و بهتر نخواهد بود که قیمت نان داده نمی شود

تانیاً در مالیات هم معمول این است که صاحبان آسیا نمی توانند هر چه بخواهند از خبازها برای آرد نمودن کنند اجرت بگیرند

بله با سایرین این معامله را میکنند و هر چه بخواهند خرواری دو یا سه یا چهار تومان می گیرند ولی راجع بخیابانها این قسم نیست و نرخ معینی دارد که بیش از آن نمی توانند دریافت دارند

مثلاً در کرمانشاهان اجرت آسیا کردن سه تومان است ولی خبازها از خرواری یکتومان بیشتر نمی دهند در سایر جاها هم همینطور است و اعم از اینکه بر طواحين مالیاتی وضع شود یا نشود آن حقی را که برای آنها معین کرده اند همان را خواهند گرفت و هیچ تعدیلی بر خباز نخواهد شد و نان هم گران نمی شود مگر اینکه قیمت غله ترقی کرده و بالتبته نان گران شود

آقای آقا سید یعقوب از توضیحات آقای مخبر که فرمودند این لایحه مالیات نیست بلکه حق اربابی است بازم اظهار فرمودند خوب است از طواحين صد پنج بابت مالیات دریافت شود

بعلاوه فرمودند حق الارض بگیرند بعقیده بنده اگر می فرمودند حق السماء بگیرند و حق الارض نگیرند بهتر بود زیرا بر فرض هم صد ذرع دود در زمین آسیاب سازند چندان ضرری وارد نمیشود ولی چون برای آب و جریان آن مخارجی از قبیل تعمیر قنات و يك کردن مجرا و غیره لازم است لذا باید حق السماء گرفته شود

بنابراین اگر درست دقت میفرمودید این ترتیب را بهتر میدانستید

آقای دولت آبادی می فرمایند صد سی برای مخارج کم است البته اگر بنا باشد صد سی از مخارج آسیاهای اربابی کسر شود حق بجانب ایشان است

ولی ملاحظه می فرمائید که از صد قسمت بیست قسمت دولت می برد هشتاد قسمت دیگر در عوض همان مخارج و زحماتی است

که شخص برای بنای آسیا متحمل میشود آقای وحید الملک فرمودند که قبل از تعدیل بودجه حاضر نیستیم هیچگونه مالیات جدیدی را می دم جواب ایشان هم همانطور که آقای مخبر فرمودند این است که البته برای وضع مالیات جدید شاید تمام آقایان نمایندگان عقیده شان این است که تا بودجه مملکت تعدیل نشود و ندانیم چقدر کسرها داریم نمی توان مالیات جدیدی وضع کرد ولی باید دانست این لایحه مالیات نیست بلکه حق اربابی است

دیگر اینکه از آرزوهای آقای وحید الملک این است که آقای وزیر مالد در هشتاد سال جدید قانون تفریح بودجه سال قبل را تقدیم مجلس نمایند

بنده تصور می کنم در اروپا هم که تمام ادارات مرتب است دولت می تواند يك ماه بعد از سال هم قانون تفریح بودجه را به مجلس بیاورد و نیز در خودتان در روزگار تفریح و تشریف داشته باشید و کار کرده اید و میدانید که باید تمام دخل و خرج ایالات و ولایات و قراء و نصبات هر چه هست به مرکز برسد بعد از آن دولت آنها را جمع نموده بودجه را تعدیل نموده آنوقت صورت آنرا به مجلس تقدیم نماید و همانطور که آقای مخبر فرمودند خود انجام این مسئله سه چهار ماه وقت لازم دارد

بالاخره گمان می کنم خوب است آقایان موافقت فرمایند که این لایحه بودجه را از مجلس بگذرد چون يك فوایدی برای صاحبان آسیا در آن مترتب است و ما هم در کمیسیون صورتی خواستیم که عجلتاً و سابقاً از این معلوم شد از بعضی از آسیاها چهار عشر و از بعضی سه عشر و نیم و از برخی سه عشر و بالاخره دو عشر و نیم میگرفته اند و از بعضیها هم هیچ نگیرند حالا ما آمدیم کلیه طواحين دو عشر گرفته شد و اگر آقایان این لایحه را رد بکنند يك ضرر بکلی صاحبان طواحين که بیش از این مبلغ می دهند وارد آورده اند

رئیس - در کلیات مذاکرات کافی نیست؟

( گفتند کافی است )

رئیس - رأی می گیریم داخل در شورمواد بشویم یا نه؟

آقایانی که تصویب میکنند داخل در شورمواد بشویم قیام فرمائید

( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت می شود

( بعضیون ذیل قرائت شد )

ماده اول - از عایدات خالصی طواحين که در اراضی اربابی واقع شده و با آب خالصه کاری کنند يك عشر بابت حق السماء دریافت

می شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا ( اجازه )

سلیمان میرزا - آیا میشود در ماده اول هم بطور کلی در این لایحه مذاکره نمود یا خیر

اگر می شود بنده عرض می کنم

رئیس - بله میشود

سلیمان میرزا - چون آقایان مذاکرات را در کلیات کافی دانستند موقع نرسید بنده عرض خود را بطور کلی عرض می کنم

این بود که از آقای رئیس استفسار نمودم که آیا ممکن است در این لایحه هم مثل سایر لوایح قانونی در شورمواد اول داخل مذاکره در کلیات شد یا خیر؟

چون تصدیق فرمودند که می توان داخل در کلیات شد لذا بنده هم جواب آقایان را يك عرض می کنم

اولاً در کمال نزاکت آقای حاج شیخ اسدالله عرض می کنم که ایشان در ضمن نطقشان يك قسمتی از وظائف آقای رئیس را اعمال فرمودند یعنی به مخالفین فرمودند مذاکرات شما خارج از موضوع این لایحه است و اظهار خارج از موضوع مذاکره بودن قطعاً مطابق نظامنامه داخلی از وظائف شخصی رئیس است و بعلاوه اشخاصی که در اطراف این لایحه صحبت کردند ناملاً در موضوع لایحه بود

از آقای حاج شیخ اسدالله معذرت می خواهم لکن چون ایشان تصمیمی فرمودند بنده هم این مسئله را یادآوری نمودم

آقای فهم الملک فرمودند که بنده در آخر عرایض تقریباً موافقت نمودم خیر سوء تفاهمی واقع شده بنده هیچوقت با وضع مالیات بر ارزاق عمومی موافقت نخواهم کرد ایشان بطور افراتر گوئی فرمودند بنده این بر این بر گندم هم نباید مالیات وضع شود بله باید بر گندم مالیات وضع کرد

اگر موقعی تعدیل بودجه و مالیاتها درست بنده با عدمی گویم بر ارزاق عمومی و مالیات نباید وضع کرد بجهت اینکه دلیل ندارد از گندم که جزو ارزاق عمومی است مالیات گرفته شود

و هر چه از این قبیل مالیاتها گرفته باشد بنده با آن مخالفم خواه مالیات ارضی باشد خواه مالیات گندم ولی هنوز آنوقت برای بنده سبب و این اظهاراتی که حالا میکنم برای است که هم عقیده زیاد پیدا کنم و هر وقت هم عقیده هم مسلکشان بنده زیاد شود یکی از اینها است بنده این است که مالیات از ارزاق عمومی و گندم نباید

از متولین بگیرد از فقراء و ضمفاء مالیات را باید از آنهائی که زیادتر از این مملکت استفاده میکنند گرفت و باید حتی الامکان سعی کرد که از بیچاره سر باز و پیشخدمت مأمورین جزء دولت و رعایا و فقرائی که دوازده الی چهارده تومان حقوق دارند و با اینکه اصلاً حقوق ندارند و با سرمایه خودشان معیشت می کنند کمتر مالیات گرفت زیرا دولت بیشتر از این مخارجی را که میکند برای حفظ جواهرات و اموال اعیان است که دزد نبرد و الاربعیت چیزی ندارد که دزد نبرد و آزان برای حفظ آن لازم باشد در اینصورت باید مخارج را هر کس باندازه کار مملکت استفاده میکند بپردازد

اگر مالیات مستقلات در مجلس میل شد مالیات خانه های اجاره به بنده مربوط نیست و تصیری به بنده نیست زیرا اگر بنا کرات آن دوره رجوع شود ملاحظه خواهید فرمود که بنده فریاد میزد کسی که قصر خورق ساخته و بوجود خود آن خانه را مفتخر نموده و معلوم نیست قبول آن را از چهارهای عجیب و غریبی تحصیل نموده باید مالیات بدهد نه آن شخصی که پول ندارد خانه بسازد و مجبور است اجاره نشینی باشد

بله در آن موقع هم بنده مخالف بودم لکن چکنم که آنوقت هم در اقلیت بودم

اگر مثلاً امروز این لایحه بگذرد و دوره دیگر صحبت شود آیا باید گفت که تو در مجلس بودی و باین لایحه موافقت کردی؟

خیر بنده موافق عقیده مسلکی خودم رفتار کرده ام و تصیری به بنده وارد نیست آقای آقا سید یعقوب فرمودند معامله با صوات بگذرد البته هر می سعادت که انسان دوره امام زمان را درک کند موفق شود در خدمت امام زمان (س) باشد و معامله با صوات کند ولی تا موقعی که با زمان با سعادت نرسیده ایم لااقل باید کاری بکنیم که معاملات با نصاب بگذرد و مالیات از روی انصاف بر اهالی تحمیل شود و هر کس که مخارج بصره او میشود مالیات بدهد بعضی از آقایان در قبال عرایض بنده فرمودند که آسیا مال اعیان است و تصور فرموده اند بنده در همین اینکه حمایت از فقرا می کنم می خواهم حقیقتاً غلط اندازی کرد و حمایت از اعیان نمایم خیر اشتباه شده است همه املاک مال اعیان است و بعقیده بنده باید روزی برسد که کلیه املاک دولت بین خورده مالک تقسیم شود و باینکه دولت در جزو امرنامه من است حاضر و ساده عرض می کنم اگر بنده اکثریت پیدا کنم اول املاک خالصه دولت را به رعایا می فروشم و می گویم قیمت آنرا با قسط از بابت اصل قیمت ملک و قسمتی بابت مالیات بپردازند تا رعایا متحمل شوند و البته زمین که تعلق به خورده مالک داشته باشد بهتر

می توان از آن استفاده نمود و بیشتر آن ملک را آباد می کند

با بنجهت در صورتی که اکثریت داشتیم این عقیده را اول در باره املاک و خالصات دولتی اعمال می کردم یعنی لایحه از مجلس می گذراندم که خالصات را با قسط استهلاکی به رعیت فروخته و در هر سال يك مبلغی بابت قیمت ملک دریافت دارند تا بعد از بیست الی سی سال رعیت عوض املاک خالصه دارای املاک شخصی خود باشد دولت هم که از این ترتیب استفاده می نماید دیگر محتاج اداره هر بیض و طویل خالصات طهران و ولایات نبوده و از این راه هم مبلغی صرف دولت خواهد شد و هم اصول زندگانی رعیت به صرفه نزدیکتر شده است

این است عقیده بنده و هر وقت اکثریت پیدا نمایم البته این لایحه را از مجلس خواهم گذرانم و امیدوارم دوره چهارم مجلس این افتخار را برده و این کار را بکنند و ثابت نماید که دولت نباید مالک باشد و دولت نباید اصول مالکیت را اتخاذ نماید

رعیت باید کار کند تا املاک آباد شود و در عمل هم دیده ایم هر کجا ملک خرابه است یا خالصه است یا مال وقف زیر امر موقعی که آباد است از آن استفاده می نمایند و وقتی خراب شد آنرا تعمیر نموده و بعال خرابی باقی می گذارند

پس چه موقعی بهتر از آن است که باید این اصلاح قائل شویم و املاک خالصه بین خورده مالک تقسیم نمایم تا مملکت استفاده نموده و هم از بودجه يك قلم بزرگ مخارج حذف شده باشد

اماراج باین لایحه با وجود اینکه در بالا پیش نوشته شده لایحه قانونی راجع بمالیات طواحين معیناً يك فصلی در آن هست که می توان گفت این لایحه راجع با اجازه املاک دولت است

این بعقیده تصدیق نیست کسی که این پیشنهاد را نموده وزیر مالد است و البته توضیح خواهد داد اگر دولت می خواهد آتش را اجاره دهد چرا در بالای لایحه می نویسد لایحه قانونی راجع بمالیات طواحين البته حالا که اینطور نوشته شده بنده مخالفت می نمایم زیرا بنده با مالیاتی که با رزاق عمومی وضع شود مخالفم بهرحال این لایحه از نقطه نظر قانون گذاری مخلوط است یکجا گفتگوی مالیات است یکجا گفتگوی اجاره است

و می گوید دولت باید آب و ملکش را اجاره بدهد

شاید بنده درست ملتفت نشدم ولی ظاهر عبارت چه از حیث ترتیب اجاره وجه از حیث ترتیب مالیات مخلوط است

آقای مخبر محترم در ضمن بیانات خودشان فرمودند يك قدم بزرگی پیش رفته ایم و جمع خرج بودجه مملکتی در این

دوره چهارم اصلاح شده است البته کمیسیون يك قدم پیش رفته است و بیخیال خودش کاری کرده است ولی بنده صدایم را بلند کرده فریاد میزنم که هنوز بودجه کل مملکت بمجلس نیامده است فقط يك تقریبیاتی بمجلس آمده است کلمه بودجه لغت فرانسو است و يك چیزی نیست که ما اینجا اختراع کرده باشیم و آن چیز را که ما اطلاق بر کلمه بودجه می کنیم بر خلاف اصول بودجه است که در همه جا معمول و متداول است مثلاً يك ورقه صورت خرج وزارت داخله یا هدیه را می آوریم آنوقت میگوئیم این بودجه وزارت داخله یا وزارت عولیه است

در صورتیکه فقط بودجه بجمع خرج هر دو تعلق میگیرد نه اینکه بگوئیم فلان قدر خرج فلان وزارت خانه بسودجه است

ما وقتی میتوانیم به يك صورتی اطلاق بودجه کنیم که در يك صفحه صورت جمع نوشته شده باشد و در يك صفحه صورت خرج مطابق قانون اساسی هنوز بودجه مملکت معین نشده

باید صورت جمع و خرج مملکت در در قانون اساسی مخصوصاً تصریح شود

دولت باید بودجه هر سال را در نیمه دوم سال قبل تقدیم نماید که مجلس برای پانزدهم حوت حاضر کند حالا اگر آقایان وزراء این عمل را نکرده اند آیا با هم تصدیق بنده است معلوم می شود یا نه قانون اساسی مراجعه فرموده اند یا بواسطه کثرت مشغله و فقدان وقت فرست کرده است

در حال هنوز به آن ترتیبی که حال و آرزوی ما است یعنی به تنظیم و ترتیب بودجه مملکت موفق نشده ایم

قدم بزرگ آنوقتی است که به نیم بودجه مملکت در يك صفحه جمع و در يك صفحه خرج بطوریکه معمول و متداول در دنیا است بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده و نظریه دولت هم در آنجا نوشته شده باشد که چون فلاقت کسر بودجه داریم برای اینکه موازنه بین جمع و خرج حاصل آید مقتضی است فلان مالیات وضع و بر ملت تحمیل شود

تمام مذاکرات اساساً در تمام دنیا به سر جمع است که می گویند جمع را باید درست کرد چنانچه تمام مذاکرات و مشقات احزاب سیاسی همه جا به سر جمع است و در سر خرج بودجه چندین حشری نیست

اگر کسی کتابچه بودجه را باز کرد و ترتیب آنرا ملاحظه کند بغوی می بیند که این یکی از اصول مسلمه است و همان طور که دو دو تا چهارتا می شود اینهم واضح است که بودجه هر مملکت باید شامل جمع

وخرج آن مملکت باشد ولی ما يك اصل ثالثی را در مملکت خودمان اتخاذ کرده ایم یعنی بدون اینکه کتابچه جمع را بمجلس بیاورند همه روزه يك لایحه برای خرج پیشهاد می کنند که فلان شخص بوده فوت کرده فلان مقدار حقوق و شهریه در بازوره او برقرار کنید

خوب فرضاً ورثه آن شخص مستحق باشند اما باینکه من نماندم جمع مملکت چیست چطور می توانم رای بدم که يك مستحق بیچاره تری این شهریه را بریزد از آنهم با اینکه اجازات و تمدیاتی که از طرف مأمورین دولت بان بدبخت میشود و مامور دولت می رود و گردن بند را از گردن فلان زن بیچاره دهقان ورعیت بدبخت بزور بیرون می آورد آنوقت این پول را چطور میشود عمل خرج تمیش و شهریه جمعی دیگر قرار داد.

خود معلوم و معین باشد گمان می کنم مقصود ایشان از آن عبارت بسته شدن دفتر جمع و خرج دولت بوده والا ایشان وهمه ماها بخوبی میدانیم که در ظرف هفت یا هشت روز که آن هم مصادف با ایام تعطیل است و تمام اوقات به دید و بازدید و ملاقات می گذرد دفتر يك دسكان بقالی را هم نمی شود مرتب و منظم کرد چه رسد به بودجه يك مملکت .

بهر حال اگر مقصود آقای وحید الملک هم این نبود مقصود بنده اهم از اینکه سوه تفاهم بشود یا نشود همین است که در آخر هر سال دولت دفترش را ببندد و جمع و خرجش را معین کند بقایای مالیاتی سال گذشته را بخرج سال آینده بیاورد و مراتب را اعلان کند.

مطابق نقلی که موافقین معترض فرمودند همچو معلوم می شود که در بعضی جاها يك عشر می گیرند و در بعضی جا های دیگر دو عشر گرفته می شود و در بعضی جاها هم هیچ نمی گیرند

خوب با این حال بنده چرا رای به دو عشر بدم و تمدی به آن بدبخت ها بکنم .

بلاوه خوب بود آقای وزیر اینجا معین می فرمودند از تصویب این لایحه بر بودجه عمومی چقدر فایده میرسد یا با کمس چه مبلغ خسارت هاید میشود

وجه مقدار از این کار بر بودجه افزوده شده و بدولت نفع میرسد

آنوقت ما از نقطه نظر تعدیل بودجه هم که بود موافقت کرده و این لایحه را تصویب می کردیم و از این گذشته موافقین معترض این لایحه هم که با ما مخالفند اسلحه قوی پیدا می کردند (و همانطور که آقای وحید الملک فرمودند در دوره دوم مالیات وضع می کردیم که از فرض خلاص شده و کمتر از اجانب استقراض کنیم) در این صورت آقایان مخالفین هم می توانستند با حمله کنند و بفرمایند از نقطه نظر تعدیل بودجه و خلاص شدن از شر قرض هم که شده باید این لایحه را تصویب کرد آنوقت ما هم تصویب می کردیم زیرا می دانستیم فلان مبلغ معین صرفه ما است و بر بودجه افزوده خواهد شد باید این را برایش بنده در خارج تصور شود حمله بدولت با استیضاح از دولت است.

خوب ما باید عایدی خودمان را ببینیم اگر کم داشتیم آنوقت مالیات وضع کنیم يك کسی ادعا می کرد می گفت (شاید هم صحیح می گفت)

دولت برای معارف مملکت يك شاهی نمیده بنده تعجب کردم و گفتم چطور ممکن است در صورتی که ما بیست و سه هزار تومان برای معارف تصویب کردیم گفت اشتباه می کنید در بودجه جمع صد يك حقوق را منظور نکرده اند بیست و سه مخارج ما است و این بیست میلیون دو صد هزار تومان صد یکش می شود و آنوقت تومانی يك عیاسی هم می گیرند. خرواری بکفران هم می گیرند

همه اینها را وقتی که جمع کنیم شاید چهارصد هزار تومان بتوان مالیات تازنی از این مملکت پول می گیرند با این حال آنوقت مواجب و حقوق معلم بیچاره فلک زده همیشه تأخیر می افتد و می گویند پول نیست در صورتی که این يك محلی است که اختصاص بمعارف داده شده است

بلاوه در اینجا يك ماده نیست که پس از آنکه اکثریت این لایحه را قبول کرد بموجب آن ماده مالیاتهای معموله سابق نسخ و ملغی شود و در این لایحه اینقدر دقت نشده که وقتی يك مالیاتی وضع می کنند اقلاً آن مالیات های سابق ملغی شود .

چون بدبختانه ما يك مأمورینی داریم که همیشه عمل با احتیاط میکنند یعنی هم مالیات سابق را بعنوان اینکه مجلس لغو نکرد می گیرند وهم مالیات جدید را از نقطه نظر اینکه مجلس وضع کرد دریافت می دارند

پس بعقیده بنده ضرری ندارد مام عمل با احتیاط را جائز شمرده و اینماده را تفسیر کنیم و بگوئیم فقط همین مالیات باید گرفته شود و آنها که سابقاً معمول بود کاملاً لغو و از درجه اعتبار ساقط است زیرا اگر ما اینکار را نکنیم باز بدبخت رعایا همه روزه دچار مظالم و تمدیاتی مأمورین شده و تا بخواهند بمرجع نظام رفته احقاق حق خود را بخواهند بخدا رسیده اند

اداره ارزاق میخوری خرواری بکتومان حق العمل بتو خواهیم داد خوب چه کاری است از این بهتر

بافرض اینکه اینماده هیچ نقاب هم نکند و بانهایت صحت و درستی اعمال وظیفه در صورتی که هیچ حساب سازی هم نکند باز در يك مأموریت مختصر بیست هزار تومان از بابت خرواری بکتومان کیش می آید

این کار واقماً از روز ازت بهتر است که بکنند مأمور دولت از اینجا بپراق برود بیست هزار خروار جنس بخرد آنوقت علاوه بر حقوق دیوانی و مخارج مسافرت يك قلم بیست هزار تومان در ظرف قلیل مدتی به عنوان حق الزحمه و حق العمل مأخوذ دارد .

اگر این راست باشد حقیقتاً چیز غریبی است بافقندان مالیه و کمی بودجه این قسم حق العملها مسئله عجیبی است

مانند کان تمام ایران هستیم و حقوق تمام رعایای ایران را خواهد درسیستان خواه در آذربایجان و بالاخره شمالاً و جنوباً شرقاً و غرباً باید محفوظ داشته و از هر قسم تفریط کاری جلوگیری کنیم

چرا پول دسترنج آنها باید صرف اهالی طهران یعنی این عزیزان بی جهت بشود شاید این برای این است که اشراف و اعیان در طهران زیاد ترند و برای آنها مشکل است در تاز و نعمت و در فراوانی و هزت نباشند باید رعیت جام خراسان یا مغان و با کرمانشاهان در نهایت سختی و در کمال عبرت و پیریشانی زندگانی کند و آنوقت از حاصل دسترنج آنها اهالی طهران بهره مند و متمتع شوند

وضع این مالیاتها بما تعمیم شود یا چرا بودجه مملکت خودمان را از جمع و خرج نمی دانیم لذا بنده از طرف آنها این عرایض را می کنم و فریادمیزنم بدبخت مردم . بدبخت فقرا

بیچاره ضعیفان و کسانی که در ذویای خیابان میبرند و برای تظلم و احقاق حق خود بمقامات عالی دست رسی ندارند و چون پول ندارند در عدلیه همیشه محکوم شده و مقهور سر پنجه ظلم مأمورین هستند .

آن بیچاره مردم وقتی که مالیات می دهند باید بدانند بچه مصرف میرسد وقتی که مالیات از آنها گرفته میشود باید بصیرت و صلاح آنها صرف شود نه اینکه بعضی دود بعضی اهالی اصفهان و طهران باهم فرقی ندارند مسئولیت و مصونیت همه آنها بعهده ماهاست

و باید سعی کنیم این بار سنگین را که بدوش گرفته و عهدمدار آن هستیم بانجام رسانده و وسائل ترفیه و آسایش آنها را از هر جهت فراهم آوریم.

که تمام اهالی ایران نان خوب بخورند نه تنها اهالی طهران.

این است که بنده عرایض خود را خلاصه کرده و تکراراً عرض می کنم بنده با این لایحه مسئله مشتمل بر چهار ماده است

زیرا اولاً مقدمانش با آن اصول و ترتیبی که باید نوشته شود نوشته نشده است چون می خواهم از روی اطینان رای بدم و بدانم در این رای من چقدر فایده بدولت میرسد یا چقدر از زحمت رعایا کم می شود .

کل را ازدولت بخواهیم که هر چه زودتر بمجلس بیاورد تا جمع ما معلوم شود بدانیم چقدر پول می گیریم آنوقت اگر خرج بردخل زیادتی کرده ممکن است مالیات جدیدی وضع کنیم و اگر نه جمع ما مثل همان حساب معارفی است که بعرض آقایان رساندم چرا تعمیم تازه بر ملت بکنیم فرضاً هم که مالیاتی وضع کنیم باید برای اضافه مدارس تصویب کنیم و يك قدری معارف را وسعت و بسط دهیم والا مادام که بودجه کل به مجلس نیامده بوضع هر گونه مالیاتی بنده مخالفم

ولو مالیات بر اغنیاء هم باشد که آمار و آرزوی من است

زیرا فلسفه حکومت شوروی و اصول مشروطیت برای این است که از تقریباً کاری هائی که بنام وضع مالیات بر رعایا بیچاره می شود حتی الامکان جلوگیری کرده آنها را از زیر بار گران تمدی خلاص کرد

برای چه بود که رعایا و مردم می خواستند از زیر بار استبداد و سلطه و اراده مطلقه سلاطین و پادشاهانی که بیخود خود وضع هر گونه مالیات و تعمیمی بر ملت میکردند و باراده سنی می بخشیدند و خرج می کردند در بردندو شیانته می کنند؟ برای چه بود که اساس حکومت شوروی را می خواستند که برای این بود که بدانند جمع و خرجشان چیست و بالاخره از کیفیت دخل و خرج مملکتشان اطلاع داشته باشند بنابراین وظیفه و کالی بنده است این عرایض را اینجا از طرف موکلین خود عرض کنم

ماباید سعی کنیم در این دوره چهارم تقنینیه بودجه کل را بمجلس آورده در آن مطالعات عمیق نمایم و بودجه را تعدیل کنیم و در واقع این افتخار را در این دوره برایشیم که به بینم اگر کسر داریم فکری کنیم و مالیاتی وضع کنیم و اگر هم زیاد داریم چندی به رعایا به بخشیم چنانچه سلاطین سابق هم در ایام صلح و سفا و در اوقاتی که جنگ و منازعه با دولتی نداشته مالیات را بکسالی یا بیشتر به طرفای خود می بخشیدند که در نتیجه آنها راحت آسوده باشند حالا آن کاریکه آن ظالمان میکردند ما که نماینده گان هستیم چرا نکنیم

بنابراین بنده با این لایحه باین دلالتی که عرض کردم مخالفم تا آقایان موافقین و معترضین چه جواب فرمائید و عرایض بنده را چه قسم تعبیر نمایند

**وزیر مالیه** - چون در اطراف این لایحه صحبتی از بودجه مملکتی شد لذا بعضی اطلاع آقایان عرض میکنم که گمان میکنم بودجه جمع و خرج مملکتی ناممورت جز آن تا آخر حمل به مجلس تقدیم گردد

بنده در ایندست بهیچوجه ندیده ام يك حقوق پنج تومانی برای رعیت بدبخت باهمه بیچاره پیشهاد و برقرار شود

مثلاً بگویند فلان آهنگر جلواتش پوست او کهنه شده است و مرده است بنابر این خوب است يك شهریه هم در باره ورثه او برقرار شود

فقط استخاصی که لغت های عریض و طویل و پارک های زهت افزای قشنگ دارند استحقاق شهریه را دارند با فلان متمول پارک دار که فوت کرده و حالا دیگر ورثه اش نمیتواند مثل سابق اوقومیل سوار شود و آنها مستحق اخذ شهریه هستند

بنده باز تکراراً عرض می کنم مادام که صورت جمع های بدات را ندیده ایم بنده نسبت بشام لواپچی که راجع به بودجه به مجلس می آید مخالفم و رای نخواهم داد

اما اینکه آقای وحید الملک فرمودند بودجه هر سالی باید در هتم یا هشتم سال جدید حاضر باشد و آقایان اشکال کردند که این امر غیر ممکن و محال است بنده تصور می کنم مقصود آقای وحید الملک از این اظهار این نبوده که حکماً در هتم یا هشتم سال جدید لایحه تفریح بودجه حاضر باشد . بلکه عرض ایشان این بود که خواستند یادآوری کنند سال که بآخر رسید دولت باید جمعاً و خرجاً دفترش را ببندد و رسماً اعلان کند دفاتر سال گذشته بسته شده و مالیات سال جدید صرف خرج سال گذشته نباید بشود

بطوریکه مکرر در اینجا گفته شده اساس مشروطیت و مجلس بر سر بودجه است اگر بودجه درست و مرتب شود هیچوقت دوره فترت پیش نخواهد آمد

اگر آقای وزیر در موقعی که می خواستند این لایحه را پیشنهاد کنند از بنده سؤال میکردند برای اینکه این لایحه خوب واضح باشد و هیچ نوع سوء تفاهمی نشود عرض می کردم خوب است این لایحه بطور دیگری نوشته شود و گویا آقای حاج شیخ اسدالله بودند و فرمودند این لایحه اگر تصویب شود بصره رعایا خواهد بود و اگر تصویب نشود بیشتر می گیرند و يك نفر دیگر از آقایان فرمودند در ساوجبلاغ مأمورین نسبت بر رعایا تمدی و اجحاف میکنند

خدا ما را از شر این مأمورین و از دست تمدی این ها خلاص آسوده کند که والا خودمان که تابعان نتوانستیم خودمان را خلاص کنیم

بهر حال خوب بود این لایحه بطور دیگر نوشته شود مثلاً همانطور که آقای اقبال السلطان مختصر توضیحاتی دادند آقای وزیر هم خوب بود توضیح میدادند و مرقوم می فرمودند در املاک خلاصه اولاً چند آب موجود است و مالیاتی که از آنها گرفته می شود بالغ بر چه مبلغ است مثلاً يك ثلث است دو عشر است . يك عشر است .

ولی در عین حال بعقیده بنده دولت آن است که عیب آدم در دجلو رو بگویند نه اینکه تماش اظهار کند به به؛ مرچبا چه کار خوب کردی. زیرا از به به گفتن و تحسین کردن کار اصلاح نمیشود

این جا گفتگوی عمومی است گفتگوی شخصی نیست

دو هزار حال بعقیده بنده مادام که بودجه کل مملکتی جمعاً و خرجاً بمجلس نیامده ما نمی توانیم باین قبیل لواپچ رای بدهیم

حالا اگر اکثریت مجلس رای میدهد آزاد و معتاد است بنده بانده از سهم خود عرض می کنم تا بودجه کل مملکت سکه شامل جمع و خرج باشد بمجلس نیامده باین لواپچ رای داد . ما بمنزله ناظر هستیم و باید بدانیم این وجوهات بچه مصرف میرسد .

شاید ما زیادی داشته باشیم ولی حالا که نمایانیم و هنوز صورت جمع را بیاوری که باید ندیده ایم چرا مالیات جدیدی وضع

همه اینها را وقتی که جمع کنیم شاید چهارصد هزار تومان بتوان مالیات تازنی از این مملکت پول می گیرند با این حال آنوقت مواجب و حقوق معلم بیچاره فلک زده همیشه تأخیر می افتد و می گویند پول نیست در صورتی که این يك محلی است که اختصاص بمعارف داده شده است

حالا از تمدیاتی مأمورینی هم بگذریم از پنج من گندم رعیت بیچاره هم همان يك قران را که از يك خروار می گیرند دریافت می دارند همه اینها بجای خود

حالا آمدیم در سر آب خلاصه اولاً باید فهمید این آب خلاصه قنات است یا رودخانه چون بگذری فرق می کند ولی هیچ معلوم نیست کدام يك از اینها است بعضی از آقایان استدلال می کردند بر اینکه چون سایر مالکین آسیابها در املاک شخصی خودشان نسبت به مستأجرین ظلم می کنند ما هم باید آن تمدی را یاد گرفته و در املاک خلاصه که اختیارش با ما است معمول داریم شاید بنده درست ملتفت نشده ام اگر آقایان خبر دارند که مالکین ظلم می کنند خوب است بر علیه آنها قیام نمایند و نگذارند تمدی کنند و يك مجازاتی برای آنها معین کنند که نتوانند ظلم کنند واقماً هر کس مالک شد رعیت را نغزیده که پوست آن بیچاره را بکنند مالک ملک فقط بمنزله يك پولدار سرمایه داری است که سرمایه اش همان زمین است و بدبختی دانستگیر آن بدبخت رعیت شده که در ملک يك صاحب زور اقامت کرده و فتنه وطن شده است حالا آیا سزاوار است آن صاحب ملک همه روزه بآن رعیت بدبخت ظلم و تمدی کند بانظرون اینکه من صاحب ملک هستم اجحاف نباید چون بنده با مالکین معترض نیستم و از این موضوع هم اطلاع ندارم عرض می کنم اگر آقایان خبر دارند مالکین تمدی بر رعایای خود می کنند خوب است جلوی آنرا از این بیست هزار خروار جنس که برای

در مملکتی که هنوز روابط کارگر و رعایا با مالکین معلوم نیست در هر مملکتی که هنوز می شویم مالک فقط برای اینکه مالک ملک است رعیت بدبخت را بفلك بسته او را چوب می زند و خیال می کند رعیت غلام و زرخید اوست و حال آنکه غلام فروشی در دنیا موقوف و منسوخ شده است در چنین مملکتی خوب است وقتی که مالیاتی وضع می شود مخصوصاً قید و تصریح شود که مالیات سابق لغو است والا مأمورین با از مردم چند مقابل بنابون مختلفه دریافت خواهند کرد

فرضاً مردم هم شکایت بکنند چه اثری خواهد داشت

زیرا پس از آنکه شکایتی بمجلس رسید مجلس ناچار است بوزارتخانه مربوطه رجوع کند وقتی هم که وزارتخانه از آن مأمور سوال می کند و مراتب را استعلام می نماید جواب می دهد بخدا قسم دروغ و کذب است و قضیه بهمین شکل از بین میرود یکی از آقایان فرمودند از سایر جاها پول می گیریم و خرج اداره ارزاق می کنیم بنده بکلی مخالف این اداره ارزاق طهران هستم چرا اهالی طهران عزیز بی جهت شده اند

بچه جهت باید چندین هزار تومان از سایر رعایای ستم دیده و بدبخت این مملکت بگیریم و در اداره ارزاق بجناب مسیوفلان بدهیم که بپیل و اراده خودش فلان کار را بکنند بنده شنیده ام يك مأموری فرستاده اند بیست هزار خروار جنس بخرد و باو گفته اند از این بیست هزار خروار جنس که برای

بنابر این بنده مخالف این ارزاق طهران هستم شاید بعضی ها تصور می کنند اگر این اداره ارزاق امروزه را برداریم در طهران قطع می شود

خوب در کرمانشاهان که اداره ارزاق نیست آیا تعطیل است ؟ اگر نبودن اداره ارزاق مستلزم با تعطیلی است پس چرا در همدان و اصفهان و بالاخره نقاطی که دارای اداره ارزاق نیستند تعطیل نیست اگر چه وقتی که بنده شروع بعرض عرایض میکنم وقت مجلس را تضییع می کنم

**یک نفر از نمایندگان** - صحیح است .

**تسلیمان میرزا** - بلی صحیح است .

خود هم میدانم صحیح است یعنی زیاد حرف می زنم .

اما گمان می کنم همه آقایان اینکار را می کنند

در هر حال بنده تصور می کنم از حلقوم موکلین و از طرف کسانی که تحت فشار و مضیقه هستند فریاد می زنم و چون دست خود آنها نمیرسد که بگویند چرا باید با

وضع این مالیاتها بما تعمیم شود یا چرا بودجه مملکت خودمان را از جمع و خرج نمی دانیم لذا بنده از طرف آنها این عرایض را می کنم و فریادمیزنم بدبخت مردم . بدبخت فقرا

بیچاره ضعیفان و کسانی که در ذویای خیابان میبرند و برای تظلم و احقاق حق خود بمقامات عالی دست رسی ندارند و چون پول ندارند در عدلیه همیشه محکوم شده و مقهور سر پنجه ظلم مأمورین هستند .

آن بیچاره مردم وقتی که مالیات می دهند باید بدانند بچه مصرف میرسد وقتی که مالیات از آنها گرفته میشود باید بصیرت و صلاح آنها صرف شود نه اینکه بعضی دود بعضی اهالی اصفهان و طهران باهم فرقی ندارند مسئولیت و مصونیت همه آنها بعهده ماهاست

و باید سعی کنیم این بار سنگین را که بدوش گرفته و عهدمدار آن هستیم بانجام رسانده و وسائل ترفیه و آسایش آنها را از هر جهت فراهم آوریم.

که تمام اهالی ایران نان خوب بخورند نه تنها اهالی طهران.

این است که بنده عرایض خود را خلاصه کرده و تکراراً عرض می کنم بنده با این لایحه مسئله مشتمل بر چهار ماده است

زیرا اولاً مقدمانش با آن اصول و ترتیبی که باید نوشته شود نوشته نشده است چون می خواهم از روی اطینان رای بدم و بدانم در این رای من چقدر فایده بدولت میرسد یا چقدر از زحمت رعایا کم می شود .

بنابر این بنده بیشتر اهمیت باین مسئله دومی می دهم .

بنابراین چون این مراتب را نمی دانم با این لایحه مخالفم .

بعضی ها می گویند در ساوجبلاغ از آسیابهای خراب هم مالیات می گیرند

نمودافه مگر این شهر شیخ علیه الرحمه را که می گوید :

ازده ویران که ستاید خراج فراموش کرده اند .

چقدر خوب بود مرحوم شیخ حالا زنده می شد و می دید که از يك ده خراب از رعایای بیچاره با اینکه وکیل در مجلس دارند ده قسم مالیات می گیرند

و بلاوه خود این مواد مخلوط نوشته شده زیرا بعضی از راه اجاره است و بعضی از راه مالیات و دیگر اینکه در صورت تصویب این لایحه باید تصریح شود مالیاتهای سابق لغو است و هیچ در اینجا اشاره نشده است بالاخره چون بودجه کل مملکتی بمجلس نیامده لذا بنده مخالفم

ماباید لا ینقطع ذکر بگیریم و بودجه

کل را ازدولت بخواهیم که هر چه زودتر بمجلس بیاورد تا جمع ما معلوم شود بدانیم چقدر پول می گیریم آنوقت اگر خرج بردخل زیادتی کرده ممکن است مالیات جدیدی وضع کنیم و اگر نه جمع ما مثل همان حساب معارفی است که بعرض آقایان رساندم چرا تعمیم تازه بر ملت بکنیم فرضاً هم که مالیاتی وضع کنیم باید برای اضافه مدارس تصویب کنیم و يك قدری معارف را وسعت و بسط دهیم والا مادام که بودجه کل به مجلس نیامده بوضع هر گونه مالیاتی بنده مخالفم

ولو مالیات بر اغنیاء هم باشد که آمار و آرزوی من است

زیرا فلسفه حکومت شوروی و اصول مشروطیت برای این است که از تقریباً کاری هائی که بنام وضع مالیات بر رعایا بیچاره می شود حتی الامکان جلوگیری کرده آنها را از زیر بار گران تمدی خلاص کرد

برای چه بود که رعایا و مردم می خواستند از زیر بار استبداد و سلطه و اراده مطلقه سلاطین و پادشاهانی که بیخود خود وضع هر گونه مالیات و تعمیمی بر ملت میکردند و باراده سنی می بخشیدند و خرج می کردند در بردندو شیانته می کنند؟ برای چه بود که اساس حکومت شوروی را می خواستند که برای این بود که بدانند جمع و خرجشان چیست و بالاخره از کیفیت دخل و خرج مملکتشان اطلاع داشته باشند بنابراین وظیفه و کالی بنده است این عرایض را اینجا از طرف موکلین خود عرض کنم

ماباید سعی کنیم در این دوره چهارم تقنینیه بودجه کل را بمجلس آورده در آن مطالعات عمیق نمایم و بودجه را تعدیل کنیم و در واقع این افتخار را در این دوره برایشیم که به بینم اگر کسر داریم فکری کنیم و مالیاتی وضع کنیم و اگر هم زیاد داریم چندی به رعایا به بخشیم چنانچه سلاطین سابق هم در ایام صلح و سفا و در اوقاتی که جنگ و منازعه با دولتی نداشته مالیات را بکسالی یا بیشتر به طرفای خود می بخشیدند که در نتیجه آنها راحت آسوده باشند حالا آن کاریکه آن ظالمان میکردند ما که نماینده گان هستیم چرا نکنیم

بنابراین بنده با این لایحه باین دلالتی که عرض کردم مخالفم تا آقایان موافقین و معترضین چه جواب فرمائید و عرایض بنده را چه قسم تعبیر نمایند

**وزیر مالیه** - چون در اطراف این لایحه صحبتی از بودجه مملکتی شد لذا بعضی اطلاع آقایان عرض میکنم که گمان میکنم بودجه جمع و خرج مملکتی ناممورت جز آن تا آخر حمل به مجلس تقدیم گردد

رئیس - چون مدتی از شب گذشته در صورتی که آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند جلسه آینده

جلسه آینده روز پنجشنبه ۳ ساعت

قبل از غروب و دستور آن بقیه مذاکرات در لایحه که مطرح است

شیخ الاسلام اصفهانی اجازه می فرمائید؟

رئیس - بفرمائید

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده

دو فقره - سوال از آقای وزیر عدلیه داشتم .

ولی ایشان تشریف نیاورده اند چون

باید اصل دوم و بیست و هفتم قانون اساسی محفوظ باشد.

در قانون ثبت اسناد بعضی تصرفات

شده است که با اصول قانون اساسی مخالفند

لذا اجازه فرمائید در جلسه دیگر

تشریف بیاورند و جواب بنده بدهند.

رئیس اطلاع داده خواهد شد که

روز پنجشنبه حاضر شوند. ( مجلس تقریباً

دو ساعت از شب گذشته ختم شد )

### جلسه هشتاد و سوم

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه

نهم برج حمل ۱۳۰۱ مطابق غره شعبان

المعظم ۱۳۴۰ مجلس دو ساعت قبل از غروب

بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

( صورت مجلس یوم ۳ شنبه هفتم حمل را

آقای سهام السلطان قرائت نمودند )

رئیس - آقای حائری زاده ( اجازه )

حائری زاده - بنده با اصل لایحه

الحاق آب کارون به زاینده رود موافق

بودم نهایت با این شکلی که به مجلس

پیشنهاد شده بود مخالف بودم و در صورت

مجلس بنده را بکلی مخالف نوشته اند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا ( اجازه )

محمد هاشم میرزا - گمان میکنم

نظری که شاهزاده سلیمان میرزا در موضوع

خالصجات فرمودند این بود که خالصجات

بترتیب بانك فلاحتی بر عایا و زارعین فروخته

شود و قیمت آنها بطور استهلاك دریافت شود

و بنظر بنده معنی این کلمه با اینطوری که

در صورت مجلس ذکر شده که خالصجات

بر عایا واگذار شود فرق دارد

رئیس ( خطاب با آقای حائری زاده )

ایراد جنابعالی وارر نیست ) در اینجا چنین

چیزی نوشته نشده که شما با ( اصل لایحه

مخالف بودید مجدداً قرائت می شود ملاحظه

بفرمائید

( آقای سهام السلطان يك قسمت از

از صورت مجلس را بشرح ذیل قرائت نمودند )

آقایان آروسی و حائری زاده اظهار

می نمودند در صورت عدم موفقیت بالحاق

آب مزبور به زاینده رود نیابستی این وجوه

بامالی تعبیل شود

حائری زاده - بعد از این يك موضوع

دیگری است که نوشته شده فلانکس بکلی

مخالف بوده است

رئیس - بعد از جلسه مراجعه بفرمائید

اگر چنین چیزی بود اصلاح می شود